

## بیانیه گام دوم انقلاب: مبانی نظری و شاخص‌های «جامعه اسلامی» در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

محمد کمالی زاده<sup>۱</sup> علی باقری دولت آبادی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

**چکیده:** رهبر معظم انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی رونمایی و از آن به عنوان سندی برای تمدن‌سازی اسلامی یاد کردند. یکی از مقدمات شکل‌گیری این تمدن اسلامی عبور از مرحله جامعه اسلامی است. مفهوم شناسی جامعه اسلامی و فهم مبانی نظری آن از دو جهت اهمیت دارد: اولاً اینکه این مفهوم، یکی از وجوه تمایز و تشخیص این جامعه با سایر جوامع است. ثانیاً در مراحل پنج‌گانه رسیدن به تمدن اسلامی که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای ترسیم شده، جامعه اسلامی به عنوان چهارمین موقف از موافق تمدن‌سازی، از اهمیت بالایی برخوردار است. پرسش بنیادین پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین مولفه‌های مبنایی تأثیرگذار بر تلقی آیت‌الله خامنه‌ای از جامعه اسلامی کدام‌اند و نحوه‌ی این تأثیرگذاری چگونه است؟ برای فهم این تلقی خاص و نیز کشف جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری ایشان، لازم است بنیادهای پیشینی جامعه اسلامی در نگاه معظم له فهم شود. فرضیه این نوشتار این است که مبانی پیشینی اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، تأثیر تعیین‌کننده‌ی بر تلقی و نوع نگاه ایشان به جامعه اسلامی دارد. یافته‌های مقاله که بر اساس رهیافت تفسیری و روش تحلیل کیفی به دست آمده؛ نشان می‌دهد که بنیادهای نظری «هستی‌شناسی اسلامی»، «معرفت‌شناسی اسلامی» و «انسان‌شناسی اسلامی»، تأثیر خاصی بر شاخص‌های جامعه اسلامی در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای دارند.

**واژگان اصلی:** جامعه اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی

۱. - استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

mohammadkamalizadeh@gmail.com

abagheri@yu.ac.ir

۲. - دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، ایران

## مقدمه

جامعه، یکی از آن مفاهیم به ظاهر ساده، اما به غایت پیچیده و سیالی است که از قضا قابلیت‌های فراوانی برای تاویل می‌یابد. اینکه جامعه چیست؟ و از چه عناصری تشکیل شده است؟ آیا جامعه، محصول جمع ریاضی فرد انسان‌هایی است که در یک جغرافیای خاص با هم زندگی می‌کنند یا نوعی اجتماع است که در بطن خود، حامل نوعی وحدت ارگانستی است؟ آیا جامعه اصالت دارد یا فرد؟ و ... همه و همه ی این پرسش‌ها، محل نزاع و معرکه آراست. البته در اینجا قصدی برای ورود به تمامی این پرسش‌های بنیادین نیست، متها غرض ذکر این نکته است که اختلافات زیادی در تلقی مکاتب و اندیشمندان مختلف در پاسخ به پرسش‌های مذکور وجود دارد. جامعه، آنگاه که متصف به برخی وصف‌های خاص می‌شود (نظیر مفهوم جامعه اسلامی)، قدری معنای روشن‌تری می‌یابد و به نسبت مفهوم خود جامعه، از وضوح مفهومی بالاتری برخوردار می‌شود؛ چرا که وقتی از جامعه اسلامی صحبت به میان می‌آید، جامعه، بیشتر در اینجا نوعی فرم و قالب در نظر گرفته می‌شود که روح، محتوا و جهت‌گیری‌های خاص آن را ارزش‌های اسلامی تعیین می‌کند؛ چنانکه برای مفهومی به نام جامعه مسیحی و یا جامعه یهودی و حتی مفهومی به نام جامعه مدرن نیز می‌توان به سیاق مفهوم جامعه اسلامی، از جهت‌گیری‌های یک جامعه در جهت ارزش‌های مسیحی، یهودی و یا ارزش‌های جهان‌تجدد و مدرنیته سخن گفت. درخصوص جامعه اسلامی نیز ذکر این نکته لازم است که تلقی اندیشمندان مسلمان از این مفهوم تلقی واحدی نیست و تعاریف متعددی از آن وجود دارد. به عنوان مثال در بین اندیشمندان مسلمان معاصر نظیر علامه طباطبایی، محمد باقر صدر، امام خمینی، استاد مطهری، شهید بهشتی و ... تفاوت‌هایی در تلقی آن‌ها از مفهوم جامعه و نیز جامعه اسلامی وجود دارد. یکی از اندیشمندان مسلمان معاصر که جامعه اسلامی، جایگاه مهمی در منظومه فکری ایشان دارد، آیت الله خامنه‌ای است. نکته مهمی که در این میان وجود دارد، این است که اندیشه اجتماعی هر اندیشمندی، دارای یک مبانی پیشینی است و لذا فهم آن اندیشه بدون فهم آن

مبانی و عقبه قابل فهم نیست. طبیعی است که تلقی آیت الله خامنه ای از جامعه اسلامی نیز ریشه در مبانی پیشینی اندیشه ایشان دارد که به منظور فهم جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری معظم له، این مبانی باید به درستی فهم شود. پیش فرض مقاله حاضر این است که ارتباط معناداری میان جامعه اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای با مبانی پیشینی اندیشه ایشان (و نوع نگاه خاص به مساله اسلام شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی) وجود دارد و شاخص های جامعه اسلامی از منظر ایشان را باید با رجوع به این مبانی مورد بررسی و تحلیل قرار داد. بر این اساس پرسش پیش روی مقاله حاضر این است که مهم ترین مولفه های مبانی تاثیر گذار بر تلقی آیت الله خامنه ای از جامعه اسلامی کدام اند؟ نحوه ی این تاثیرگذاری چگونه است؟ و جامعه اسلامی مورد نظر ایشان از چه شاخصه هایی برخوردار است؟ روش ما در این مقاله مبتنی بر رهیافت تفسیری و روش تحلیل کیفی است و شیوه گردآوری داده ها کتابخانه ای و اسنادی است. برای تفسیر داده ها از دور هرمنوتیکی استفاده شده است. دور هرمنوتیکی در اینجا به معنای شلایرماخری آن و فهم جزء با کل و کل با جزء چه در تاویل متنی و چه در تاویل روانشناختی یا فنی است نه به معنای دیگر آن یعنی مبحث فهم قبلی برای هر فهم دیگر (منوچهری: ۱۳۹۰، ص ۵۸). تحلیل و برداشت ما از بیانات رهبری در حوزه های گوناگون مرتبط با «جامعه اسلامی»، به عنوان داده های این تحقیق، در چارچوب فهم و برداشتی است که از گزاره های معرفت شناسانه، هستی شناسانه و انسان شناسانه اندیشه ایشان بدست آمده است و بالعکس، همین داده ها، ما را به سمت شناخت و تبیین ابعاد سه گانه فوق، رهنمون ساخته اند.

### ۱- پیشینه پژوهش

مقالات متعددی تاکنون پیرامون اندیشه آیت الله خامنه ای به رشته تحریر درآمده است. عمده مقالاتی که در این فضا نوشته شده، بیشتر به دولت دینی، نظام سازی و انقلاب اسلامی و ... در

اندیشه آیت الله خامنه ای پرداخته است (نوری، ۱۳۹۷؛ لک زایی، ۱۳۹۷؛ عینی زاده، ۱۳۹۶؛ معینی پور، ۱۳۹۵؛ اشرفی، ۱۳۹۵؛ جاویدی، ۱۳۹۵) و مفهوم جامعه و یا جامعه اسلامی از نظر ایشان، کمتر مورد مذاقه نظری قرار گرفته است. از میان معدود آثار نگاشته شده در این باره چهار اثر به موضوع پژوهش حاضر نزدیک و حائز اهمیت بودند.

در مقاله انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای (لک زایی، ۱۳۹۵) نویسنده با روشی تحلیلی و استنادی سعی کرده به این پرسش پاسخ دهد که از نظر آیت الله خامنه ای، نگاه اسلام به فرد انسان و مجموعه انسان ها چگونه است؟ این مقاله با آن که به نکات مهمی می پردازد، اما مساله اش، کمتر مربوط به تبیین بنیان های پیشینی جامعه اسلامی در تلقی آیت الله خامنه ای است.

شفیعی و نیک بین (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «مؤلفه های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری» بیان می کنند دین می تواند برای تمام عرصه های اجتماعی، در کلیه زمان ها و مکان ها راهکارهایی متناسب با وضعیت موجود ارائه دهد. کارآمدی در نظام دینی با کارآمدی یک جامعه سکولار متفاوت بوده و نظام دینی باید علاوه بر تلاش در جهت تحقق بعد عام کارآمدی باید به بعد اختصاصی آن نیز توجه داشته باشد. برای دستیابی به این مهم در جامعه، باید سه عنصر مهم دین یعنی اعتقادات، اخلاق و احکام مورد توجه قرار گیرد. در این صورت، دین می تواند حداکثر میزان کارآمدی را به نمایش گذارد. کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نیز، که بر اساس دین پی ریزی شده است، باید در چارچوب همین سه مؤلفه مورد ارزیابی قرار گیرد. این مقاله با وجود قوت علمی در خصوص مبانی اندیشه سیاسی رهبری بحثی به میان نیاورده است.

سمیعی اصفهانی، رفیعی و نوری (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «ابعاد، مؤلفه ها و تهدیدات هویت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری» بیان می کنند اندیشه های رهبری در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در بینش توحیدی ذوب شده است و می تواند برای عصر رهاشده از

خودیت و خودباوریِ حاضر الگو باشد. مهمترین مشکل عصر حاضر برای جوان، از نظر رهبری مشکل بی‌هویتی است. ابعاد هویت شامل فردی، اجتماعی، ملی، جهانی و دینی است. مهمترین مؤلفه هویت اسلامی از بعد شناختی، بیش توحیدی و از بعد عاطفی، خودباوری و اعتماد به نفس و از بعد رفتاری، آزادی مبتنی بر اخلاق و عاری از «دروغ‌گویی و شایعه پراکنی» و تلاش برای داشتن هویت دینی است که اعم از هویت ملی و سایر هویت‌هاست. از مهمترین تهدیدات هویت اسلامی یاس و تیره کردن افق با به رخ کشیدن فاصله‌های علمی، اشکال تراشی غیرمنطقی، هوچی‌گری مطبوعاتی (ناتوی فرهنگی) است. نویسندگان به خوبی تهدیدات هویت اسلامی را از منظر امام و رهبری تبیین کرده اند اما سخنی در باب جامعه اسلامی و نسبت آن با هویت اسلامی نکرده اند.

مقاله دیگری در کتاب منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۶) با عنوان «جامعه اسلامی» آمده است. این مقاله نیز عمدتاً به مباحثی نظیر اهداف جامعه مطلوب (اعم از اهداف غایی و اهداف میانی)، شاخصه های جامعه مطلوب اسلامی و آسیب شناسی جامعه مطلوب می پردازد. نویسنده در این مقاله با آنکه در گفتار دوم مقاله به مبانی جامعه مطلوب می پردازد، در عین حال به اختصار و گذرا، به برخی از مبانی این جامعه نظیر مبانی انسان شناختی، مبانی هستی شناختی و مبانی فرجام شناختی اشاراتی مختصر دارد. نویسنده مقاله ضمن اینکه عمدتاً به مساله کلی ارتباط وثیق میان مبانی اعتقادی و ساخت کلی جامعه تاکید می کند کم‌تر به تشریح این مبانی و نحوه تاثیرگذاری آن‌ها بر ساخت جامعه اسلامی می پردازد. لذا نوشتار حاضر از جهت پرداخت تفصیلی به مبانی جامعه اسلامی و نحوه تاثیر این مبانی ساخت اجتماعی این جامعه، حاوی وجوه نوآورانه محسوب می شود.

## ۲- مبانی مفهومی

از شیوه‌های شناخت اندیشه یا مواضع سیاسی و رفتاری هر متفکر در حوزه سیاسی و اجتماعی، مشخص شدن مبانی فکری و اندیشه‌ای اوست. در مجموع، اندیشه یا رفتار رجال سیاسی مذهبی در چهارچوب منطق و عقلانیت ویژه‌ای شکل می‌گیرد که می‌تواند خاستگاه‌های معرفتی گوناگون داشته باشد (نعیمیان، ۱۳۸۹، ص ۳۵۳-۳۵۱). آیت‌الله خامنه‌ای نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین برای درک اندیشه سیاسی-اجتماعی او و به طور مشخص‌تر شناخت دیدگاه وی درباره جامعه اسلامی و ابعاد و مولفه‌های آن، لازم است شالوده‌های فکری و فلسفی ایشان به لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی بررسی گردد.

## ۲-۱- هستی‌شناسی

هستی‌شناسی از لحاظ لغوی عبارت است علم یا فلسفه هستی (های، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶) و شاخه‌ای از فلسفه است که به مطالعه بودن، هستی یا وجود می‌پردازد (باقری دولت‌آبادی و شفیع، ۱۳۹۳، ص ۵۶). هستی‌شناسی در اصطلاح فلسفه نظریه عام است درباره این که چه چیزها و یا چه جوهرهایی در جهان وجود دارند (بتون و کرایب، ۱۳۸۴، ص ۲۲). دانش هستی‌شناسی در پی تشخیص و شرح رده‌های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم وجود برمی‌آید تا بدین وسیله به تعریف موجودات و انواع آنها در آن چارچوب بپردازد. این دانش درصدد ارائه و آزمون ادعاهایی درباره این که پدیده‌های اجتماعی و سیاسی چیستند، از چه اجزایی تشکیل شده‌اند و این اجزا چه ارتباطی با یکدیگر دارند است. به تعبیر دیگر هستی‌شناسی معطوف به بررسی فرض‌هایی خاص درباره جامعه و سیاست است (افتخاری، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

هستی‌شناسی به اتکای امکانات ویژه‌اش، اعم از مفاهیم و روش‌ها، گونه‌های وجودی را تعریف کرده؛ به بررسی ویژگی‌ها و مشخصه‌های این گونه‌ها می‌پردازد. به عنوان مثال هستی‌شناسی می‌پرسد،

داشته‌های درونی ما همچون باورها، احساس‌ها و دانسته‌ها در کدام موطن و چگونه وجود دارند؟ اگر چنین چیزی یافت می‌شود، در کدام مقوله باید طبقه‌بندی شود؟ (شمس، ۱۳۸۷، ص ۹).

## ۲-۲- معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به عنوان نظریه‌چیزی معرفت و راه‌های حصول آن تعریف می‌شود. اینکه چگونه می‌دانیم که چیزی را که می‌دانیم، می‌دانیم پرسش کلیدی است که معرفت‌شناسی درصدد پاسخ به آن است. در معرفت‌شناسی پژوهشگر به این پرسش می‌پردازد که چگونه می‌توانیم درباره هستی‌هایی که وجود آنها را قبول کرده‌ایم شناخت به دست آوریم (صادقی فسایی و ناصری، ۱۳۹۰، ص ۸۱). در واقع در حالی که هستی‌شناسی به مولفه‌های ماهوی دفاع نظری دارد، معرفت‌شناسی نمود عینی آن ماهیت را در عالم خارجی تبیین می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

## ۲-۳- انسان‌شناسی

انسان‌شناسی یکی از مهم‌ترین دانش‌های زیربنایی در علوم انسانی است. شناخت دقیق و جامع چستی و هویت انسان‌شناسی درآمد و ورود به مباحث آن است. بی‌تردید تعریفی که هر فلسفه سیاسی از انسان به دست می‌دهد، تأثیری مبنایی بر کل آن فلسفه دارد. تلقی فیلسوفی از انسان چونان موجودی بدطینت با سرشتی شرور نوعی فلسفه سیاسی به دست می‌دهد و فیلسوفی که انسان را موجودی پاک سرشت و نیک‌خو می‌داند، فلسفه سیاسی متفاوتی نتیجه می‌گیرد. همین‌طور است درک جبرگرایانه و یا مختار از انسان. در این نوع بررسی، سؤالات اساسی و محوری درباره آدمی طرح می‌گردد و محقق باید به دنبال پاسخ به چنین سؤالاتی باشد؛ سؤالاتی از این قبیل: آیا انسان موجودی کاملاً مادی است به گونه‌ای که همه فعالیت‌های روانی و فکری او قابل تبیین فیزیولوژیک باشد؟ یا این که فعالیت‌های روانی او ماهیتی غیرمادی دارد و مستند به جوهری غیرمادی به نام روح

انسانی است؟ آیا انسان‌ها دارای سرشت و طبیعت واحد و مشترکی هستند یا نه؟ کمال انسانی چیست و راه وصول به آن کدام است؟

### ۳- مبانی نظری و الگوی تحلیل

#### ۳-۱- بنیادهای هستی‌شناسی جامعه اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

منظور از جهان بینی اسلامی در اینجا، مجموعه معارفی است که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما (به عنوان یک انسان مسلمان) از آنها به دست می‌آید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲) ایشان در دیدار با کارگزاران نظام در سال ۷۹، خطوط اصلی این جهان بینی اسلامی را توضیح می‌دهند. رهبری رکن اول از ارکان پنج‌گانه جهان‌شناسی اسلامی را مسأله «توحید» می‌دانند. توحید را می‌توان سنگ بنای جامعه اسلامی دانست. توحید به تعبیر علامه طباطبایی، ناموس قوانین اسلامی و به تعبیر استاد مطهری، سرسلسله تمام معتقدات دینی، ایمان به خداست. (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۱۱) ریشه اصلی درخت دین، اصول اعتقادات آن است و جان مایه اصول اعتقادات، توحید و اندیشه توحیدی است. تقریباً می‌توان گفت که خاستگاه اصلی اندیشه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای (و از جمله برداشت ایشان از جامعه اسلامی)، توحید و اندیشه توحیدی است. ایشان در تعریف توحید بیان می‌دارند: «توحید، یعنی اعتقاد به این‌که این ترکیب پیچیده‌ی بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشانها و سحابیها و حفره‌های عظیم آسمانی و کرات بی‌شمار و میلیونها منظومه‌ی شمسی بگردید، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر ... ساخته و پرداخته‌ی یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

توحید در اندیشه ایشان، حاوی وجوه سلبی و ایجابی است؛ چنانکه ایشان در تعریفی که از توحید ارائه می‌دهند، آن را عبارت می‌دانند از اینکه انسان غیر خدا را عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا جبهه بندگی به زمین نساید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰) ایشان عبودیت خداوند را در کنار



اجتناب از طاغوت می بیند و در واقع معاضدت و همگرایی هر دو وجه سلبی و ایجابی توحید و اندیشه توحیدی هستند. جالب آنکه اجتناب از طاغوت در تلقی ایشان، صرفاً دوری گزیدن از طاغوت و برکشیدن دامن به منظور آلوده نشدن به پلشتی های طاغوت نیست، بلکه «تقابلی» میان خط توحید و خط طاغوت وجود دارد (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۸/۱/۱۴) به عبارتی نوعی مصاف و درگیری میان این دو خط وجود دارد و همین تقابل، ملازمه ای قطعی با ایمان به خدا و اندیشه توحیدی می یابد. وجه سلبی توحید، آنقدر در اندیشه آیت الله خامنه ای پر رنگ است که ایشان، اساساً توحید خالص را معادل نفی عبودیت غیر خدا می دانند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) ایشان در تعریف دیگری از توحید، به ارتباط آن با جامعه می پردازند: «توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومتهای طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصیل». (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) از این تعریف پیداست که جامعه اسلامی در واقع همان جامعه توحیدی است و شاخصه و علامت اصلی جامعه اسلامی، استقرار و نهادی شدن ارزش های توحیدی و الهی در جامعه است؛ چنانکه این ایمان جمعی، ملازمه ای قطعی و ضروری با اجتناب جمعی از طواغیت و مقابله با آن و ترسیم پررنگ خطوط میان جامعه اسلامی و جامعه طاغوتی، برقرار می کند.

از منظر آیت الله خامنه ای، توحید صرفاً یک مساله انتزاعی مجرد فلسفی و نظری نیست، بلکه نوعی شیوه زیست است (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) که هم شامل زیست جمعی می شود و هم شامل زیست فردی. خصلت انضمامی توحید (در عین ابعاد نظری آن) و نیز وجه جمعی و مدنی آن، خود به روشنی، مبین ارتباط میان جامعه اسلامی و توحید است.

رکن دوم جهان بینی اسلامی که با مساله انسان شناسی ارتباط مستقیمی می یابد، «تکریم انسان» است. انسان ها فارغ از نوع نژاد، جنسیت، زیست جغرافیایی و حتی دین و مذهب، دارای کرامت ذاتی

هستند؛ چنانکه تعبیر قرآن «و لقد کرما بنی آدم» که در قرآن آمده، ناظر به همین کرامت ذاتی آدمی است. در واقع در اینجا با نوعی انسان محوری (به معنای دینی کلمه) مواجه هستیم که با اومانیسیم روشنگری و سوپژکتیویسم، کاملاً متفاوت است.

آیت الله خامنه ای در مورد تکریم انسان طبق نگاه اسلامی در هر دو حوزه تکوین و تشریح، اینچنین اظهار می دارند: «کسی که قرآن و نهج البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این تلقی را به خوبی پیدا می کند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می چرخد... یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است». (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

از عبارات بالا، می توان این نکته را برداشت کرد که جامعه اسلامی است که پایه آن بر مبنای تکریم انسان ها بنا شده است، یعنی علاوه بر تکریم تکوینی، حکومت موظف است در تشریح و در حوزه قانونگذاری و سیاستگذاری، به گونه ای عمل نماید تا کرامت و عزت ذاتی آحاد جامعه اسلامی محفوظ بماند.

سومین رکن از ارکان جهان بینی اسلامی، که آن هم ارتباط با مساله انسان شناسی دارد، مساله تداوم حیات پس از مرگ است. اصولاً یکی از تفاوت های اسلام و مکاتب مادی در همین مساله است. تداوم حیات انسان پس از مرگ، به مثابه ی نوعی افق گشایی در برابر اوست؛ به بیان دیگر، مرگ به مثابه پلی است که ما را از دنیا (ممر) به دارالقرار آخرت (مقر) عبور می دهد و لذا به هیچ وجه پایان حیات محسوب نمی شود. این مساله آنگاه که در یک مقیاس اجتماعی ملاحظه شود، تعریف ما از جامعه و دولت را به کلی دگرگون می کند. در نگاه مادی و ماتریالیستی، به دلیل فقدان اعتقاد به مساله ابدیت و حیات پس از مرگ، نوعی نگاه تک بعدی و حیوانی نسبت به جامعه وجود دارد و حتی در برنامه ریزی هایی که برای تامین نیازها و اهداف چنین جوامعی در نظر گرفته می شود (از قبیل برنامه های توسعه)، متوقف در نیازهای حیوانی و مادی است. اما جامعه اسلامی، به دلیل نگرش خاصی که

به مساله حیات دارد، جامعه ای است که دنیا را مزرعه آخرت می داند؛ لذا گرچه در این دنیا تلاش می کند، از مواهب آن بهره مند گردد و از جمله به فکر منافع مادی خود نیز هست (چنانکه جامعه گرسنه، فقیر و ناامن به هیچ وجه مطلوب دین نیست)، لکن تمامی فعالیت های خود را رو به سوی حیات ابدی و ناظر به آن، جهت گیری و تنظیم می کند.

چهارمین رکن جهان بینی اسلامی، مربوط است به ظرفیت ها و استعدادهای نامحدود و بی پایان آدمی برای نیل به تعالی است. رهبری در این زمینه می گوید: «انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند... شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر می گذارد، او در شکوفایی این اثر می گذارد و پیشرفتهای شگفت آور را به وجود می آورد» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

پنجمین رکن از ارکان جهان بینی اسلامی از نظر آیت الله خامنه ای، حرکت عمومی عالم به سمت صلاح و غلبه اهل حق بر شرور عالم است. ایشان در توضیح این مطلب چنین بیانی دارند: «از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است... همه انبیا و اولیا آمده اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش می تواند بروز کند» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

### ۲-۳- بنیادهای معرفت شناسانه جامعه اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای

آیت الله خامنه ای در مقام یک عالم شیعی مبرز که میراث بر اندیشه های ناب معصومین (ع) است به صورت طبیعی و واضح با انحصار تمدن در گروهی خاص مخالف است. ایشان اسلام را دینی جهانی می دانند و به همین واسطه تمدن نوین اسلامی را نیز تمدنی جهان شمول و آفاقی به حساب می آورند. ایشان در بیانی می فرمایند: «امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت

قرار بدهد» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸). ایشان تفکرات غربی‌ها را تفکراتی مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی معرفی می‌کنند و بر غلط بودن هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد، تاکید دارند. معظم له معتقدند باید با اعتقاد به وجود خدا اعتقاد به قدرت خدا، حضور الهی و ربوبیت الهی به حقایق آفرینش نگاه کرد و بایستی با نگاه معرفت‌شناسی الهی به حقایق پی برد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰). لذا معرفت‌شناسی مورد نظر ایشان از معرفت‌شناسی‌های پوزیتیویستی صرف یا تفسیری خاص دور شده و بر محور معرفت‌شناسی الهی استوار است.

### ۳-۳- بنیادهای انسان‌شناسانه جامعه اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

قبل از اینکه به بحث انسان در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای و تاثیر آن بر تلقی ایشان از جامعه اسلامی بپردازیم باید توجه داشت که نگاه آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به این پرسش که نگاه اسلام به «فرد انسان» و «مجموعه انسان‌ها» چگونه است؟ ایشان به این پرسش به عنوان یک «مطلب معرفتی اسلامی» و نه یک مساله فلسفی، منطقی، اصولی و فقهی و یا جامعه‌شناختی پاسخ می‌دهند. (لک زایی، ۱۳۹۵، ص ۶۵)

نکته مهم این است که در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، بدون آنکه چندان پیرامون پرسش‌هایی فلسفی نظیر «نسبت فرد و جامعه چیست؟» یا «از میان جامعه و فرد کدامیک اصیل است و کدامیک اعتباری؟» و ... بپردازد بیش تر به تشریح دیدگاه اسلام در مورد فرد و جامعه پرداخته است. در تلقی آیت الله خامنه‌ای، اسلام هم به فرد توجه داشته و هم به جمع. ایشان درباره موضع اسلام راجع به انسان و فرد انسانی، انسان را به سائر و رونده‌ای تشبیه می‌کنند که از نقطه‌ای (خودپرستی) به نقطه‌ی دیگری (خداپرستی) حرکت می‌کند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵)

ایشان بر این باورند که در کنار نگاه اول اسلام به انسان، نگاه دیگری به انسان وجود دارد و به نظر، مفهوم «جامعه اسلامی» از همین جا اهمیت پیدا می کند. معظم له در تبیین این موضوع، وظیفه مهم در این ساحت را مدیریت دنیا می دانند. «در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه‌ی خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه‌ی دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه‌ی مدیریت دنیا». (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵)

ناگفته پیداست که مدیریت دنیا، بدون تمهیداتی در زمینه جامعه پردازی، بی معنا و در عمل نیز ناممکن است. اصولاً جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند بخش مهمی از زیست دنیایی او را تشکیل می دهد. جامعه اسلامی نیز به همین سیاق، از جمله زمینه هایی است که مدیریت دنیا در بستر آن معنا می یابد و درست در همین زمینه و بستر است که جامعه اسلامی معنای محصل خود را باز می یابد. بسیاری از ارزش های انسانی نظیر عدالت، آزادی، امنیت و سعادت صرفاً از طریق جامعه است که قابلیت تامین و تحقق پیدا می کند. در حقیقت می توان گفت که مدیریت دنیا و تحقق ارزش های اسلامی نظیر عدالت و ... بدون تشکیل جامعه اسلامی و نیز حکومت اسلامی بی معناست.

#### ۴ - شاخصه های جامعه اسلامی

بر مبنای آنچه به عنوان مبانی هستی شناسانه، معرفت شناسانه و انسان شناسانه جامعه اسلامی در اندیشه رهبری ذکر کردیم؛ جامعه اسلامی مد نظر ایشان را می توان، در تداوم رسالت های عمومی انبیاء، جامعه ای توحیدی تعریف کرد که جامعه ای است مبتنی بر تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد ملت. در اندیشه رهبری، چنین جامعه ای باید در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برخوردار از شاخصه های ذیل باشد:

#### ۴-۱- حوزه سیاسی

حوزه سیاسی حوزه حکمرانی و حکومت ورزی است. در این حوزه است که پایه های بخش های دیگر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ریخته شده و جامعه در مسیر صحیح قرار می گیرد. لذا لازم است که در این حوزه آنچه که در صدر قرار می گیرد حفظ انقلاب و دستاوردهای آن باشد تا زمینه گذار از نظام اسلامی به جامعه اسلامی فراهم شود. در این زمینه مهمترین تاکید رهبری بر **حفظ و گسترش آرمان‌های امام و انقلاب بوده است**. فرض مسلم این است که شناخت آرمان های انقلاب اسلامی بدون شناخت اندیشه‌های امام (ره) ممکن نیست. یکی از شاخص های مهم جامعه اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت مردم و مسئولان در راستای تحقق اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... امام راحل (ره) و همچنین آرمان ها، ارزش‌ها و اصول و اهداف عالی انقلاب اسلامی است. رهبر انقلاب در بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) به ارایه اصول و مبانی هفتگانه ای مکتب امام می پردازند و آنها اصول ذیل را «جزو مسلمات منطق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام» عنوان می کنند: «اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی؛ اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی؛ اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ حمایت از محرومان و مستضعفان؛ مخالفت با قلدران بین‌المللی و مستکبران؛ استقلال کشور و ردّ سلطه‌پذیری و مسئله‌ی وحدت مملی» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴) موارد فوق را می توان مهمترین تاکیدات رهبر معظم انقلاب در طول سه دهه گذشته دانست که همگی بر گرفته از آرمانها و گفتمان امام راحل (ره) بوده است.

#### ۴-۲- حوزه اقتصادی

اگرچه اقتصاد در اسلام هدف نیست اما وسیله ای برای تعالی جایگاه انسان محسوب می شود. جایگاه اقتصاد در جامعه اسلامی مورد نظر مقام مظم رهبری به قدری رفیع است که ایشان در بیانیه

گام دوم انقلاب درخصوص آن فرمودند: «اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدف‌ها رسید. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) از مجموع صحبت‌ها و سخنرانی‌های رهبری می‌توان اینگونه استنباط کرد که ایشان در بعد اقتصادی بر دو مساله اقتصاد پویا و عدالت محور متمرکز هستند. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای توجه به عدالت در مفهوم‌پردازی تمدن اسلامی بسیار جدی است و تمدن اسلامی بدون عدالت، نمی‌تواند معنا شود. در این نگاه جامعه در تمدن اسلامی با عدالت هويت می‌یابد: «در جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان‌بودن همه برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان‌بودن فرصت‌هاست؛ یکسان‌بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۷/۲۰). ایشان در باب مفهوم عدالت اجتماعی معتقدند «نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم در برابر قانون امتیازات و برخوردارها و رفتارها یکسان باشد و آحاد مردم از امتیازات و خیرات اسلامی به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و هیچ کس بدون دلیل امتیاز ویژه‌ای نداشته باشد». (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۵) اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری بسنده نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی نیز توجه کرده است. ایشان در جایی دیگر با استناد به آیه قران کریم، هدف نظام اسلامی را قسط دانسته و می‌فرمایند: «اساس جامعه در نظام جمهوری اسلامی ليقوم الناس بالقسط است. هدف عدالت و

قسط اجتماعی است. جامعه زمانی به صلاح، آبادانی و عمران و نجات حقیقی خواهد رسید که این تامین شود». (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۹)

نکته مهم در هدف‌گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. ایشان بر این مطلب اصرار دارند که «ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). لذا در منظومه فکری رهبری حتی اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این با منطق اسلام، پیشرفت محسوب نمی‌شود. «امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله طبقاتی عمیقتر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفتِ سطحی و ظاهری و بادکنکی است» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۲). لذا نمی‌توان از جامعه اسلامی سخن گفت اما عدالت اسلامی در آن وجود نداشته باشد.

### ۳-۴- حوزه اجتماعی - فرهنگی

آنچه که بیش از همه تمایز جامعه اسلامی را از جوامع غربی در دو بعد فردی و اجتماعی به نمایش می‌گذارد حوزه اجتماعی - فرهنگی است. لذا رهبری در توصیف جامعه اسلامی بیش از هر چیز بر بعد سلامت اعتقادی، اخلاق‌مداری و پرهیز از سطحی‌نگری تأکید دارند.

### ۴-۳-۱- سلامت اعتقادی

آنچه که به فرموده رهبر انقلاب باعث گردید ملت ایران در برای «آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت» ایستادگی کند «قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تایید شده امام عظیم‌الشان» بود. لذا اگر قرار باشد جامعه اسلامی برقرار گردد نخستین گام تقویت قدرت ایمان



و انگیزه در میان نیروهای خود و دومین گام پاسداشت و مراقبت از جامعه در برابر این خطرات خواهد بود. برای رسیدن به این موقعیت ضمن داشتن هوشیاری و بصیرت، برنامه ریزی و آموزش مداوم امری لازم و ضروری است. لازم است که سرمایه معنوی و اخلاقی جامعه که به فرموده رهبر انقلاب یکی از دستاوردهای چهل ساله نظام است حفظ شده و جلوی رواج «بی بند و باری و فساد»، «آلودگی های اخلاقی» و «لجنزارهای فساد» سد گردد. «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها [است] و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی، چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده زیستی می دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، ص ۱۱) رهبر انقلاب در خصوص این آسیب در جای دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب می فرماید: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای

غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه مدّت و میان مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود». (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، ص ۱۰)

#### ۴-۳-۲- پرهیز از سطحی‌نگری

جامعه اسلامی تنها به شکل و ظاهر خود اسلامی نخواهد بود بلکه اسلامی بودن آن در گرو اجرای احکام اسلام در آن است. جامعه ای است که شهروندان و دولت خود را مبادی اداب اسلامی دانسته و بر رعایت احکام الهی پافشاری کنند. در حال حاضر بسیاری از دولت‌ها را می‌توان در جهان سراغ گرفت که پیشوند یا پسوند اسلامی را در عنوان حکومت خود دارند اما نشانی از اسلام در آنها دیده نمی‌شود. به اعتقاد رهبری «اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخشها پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۶). ایشان، مسایلی مانند اخلاق حرفه‌ای، کار جمعی، رعایت حقوق اجتماعی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان کاری، قانونگرایی، انضباط اجتماعی، نشاط اجتماعی، کرامت اجتماعی زن و همچنین حوزه‌هایی از قبیل حوزه مصرف، حوزه اوقات زندگی، حوزه پوشش و حوزه تعاملات اجتماعی را از مهمترین شاخص‌های اصلاح سبک زندگی برشمردند که می‌توان با آسیب شناسی و یافتن شیوه‌های آن به پیشرفت در این حوزه‌ها نیز امید داشت.

معظم له تحجر، سطحی‌نگری و ظاهرگرایی را از جمله عوامل سکولاریسم پنهان دانسته و پرهیز از سطحی‌نگری و مواردی از این دست را از الزامات تدوین تمدن سازی اسلامی در جامعه اسلامی برمی‌شمردند «گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان

جاری می‌شود، در برنامه ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم و وقت عمل یارای کار نداریم» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

#### ۴-۳-۳- اخلاق مداری

توصیه های اخلاقی مقام معظم رهبری را می‌توان در سه مقوله اصلی طبقه بندی کرد. آن دسته از توصیه هایی که ناظر به مقام و شأن فردی یک کارگزار است و بایستی در ارتباط با خودش رعایت کند، به عنوان مثال «استمرار ارتباط با خداوند»، اخلاق فردی نام گذاری شده است. همچنین آن دسته از توصیه ها و رهنمودهایی که در ارتباط با جامعه و مردم بیان شده اند، از قبیل کسب رضایت مردم، در اخلاق اجتماعی جای گرفته اند. در نهایت آن دسته از توصیه هایی که درباره ی نحوه ی تعامل با سایرین و زیردستان و در ارتباط با نحوه ی انجام کار مطرح شده است، اخلاق اداری نام گذاری شده اند. رعایت اخلاق فردی طبیعتاً در رعایت اخلاق اجتماعی و اخلاق اداری نقش اساسی ایفا می نماید. در نهایت، هدف از رعایت این بایسته های اخلاقی و پرهیزها در حقیقت خدمت گذاری به مردم در جهت کسب رضایت الهی است (خان محمدی و کشاورزیان، ۱۳۹۸، ص ۱). اهمیت اخلاق در جامعه اسلامی به اندازه ای است که رهبر معظم انقلاب آن را حتی بالاتر از «عمل» می دانند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۷/۶/۲۹) و می فرمایند: «جامعه بدون برخورداری افراد از خلیات نیکو، نمی‌تواند به هدفهای والای بعثت پیامبر دست پیدا کند.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۵/۱/۶)

#### نتیجه گیری

آیت الله خامنه ای به عنوان یک متفکر مسلمان، نگاه خاصی به مفهومی به نام جامعه اسلامی دارد؛ این نگاه بیش از همه تحت تاثیر انگاره های اسلامی است. فهم این انگاره ها در تلقی آیت الله خامنه ای و برداشت ایشان از مهم ترین عناصر و مولفه های بنیادین اسلامی، در کشف فهم ایشان از مفهوم جامعه اسلامی بسیار کارگشا است؛ چه اینکه این مولفه های بنیادین به طور طبیعی امتدادی در حوزه

حکمت عملی و از جمله مفهوم جامعه و یا جامعه اسلامی دارد. مدعای نوشتار حاضر این است که کشف جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای، مستلزم کشف و فهم عناصر بنیادین اندیشه ایشان است. از این رو نوشتار حاضر بر مبنای چهار مولفه بنیادین اندیشه ایشان یعنی توحید، ولایت، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است. از مجموع مباحث بنیادین آیت الله خامنه‌ای در مباحث یاد شده، این نکته به دست آمد که ایشان به دلیل آنکه متفکری است که ذیل عالم اسلامی به طرح مباحث و ایده‌های خود می‌پردازد، تاثیر این عالم بر فهم ایشان از مفهوم جامعه اسلامی کاملاً تعیین‌کننده است. به عنوان مثال نوع نگاه و تلقی خاصی که ایشان از توحید دارد (که با دو مولفه نفی طاغوت و عبودیت الله تعریف می‌شود)، جهت‌گیری‌های خاصی به جامعه اسلامی می‌بخشد؛ چه اینکه از این منظر جامعه استعمارزده و جامعه‌ای که تحت لوای استبداد و هرگونه نظم سلطانی است، به دلیل آنکه تن به حاکمیت طاغوت داده، از دایره تعریف جامعه اسلامی بیرون است. حتی با این تلقی از توحید، جوامعی که تن به دموکراسی سکولار غربی داده‌اند نیز در زمره جوامع غیر اسلامی و مبتنی بر طواغیت به سر می‌برند. یا به عنوان مثال تلقی خاص آیت الله خامنه‌ای از انسان به عنوان یک موجود سائر و در حال حرکت است که از مبدا خاصی (خود پرستی) به سوی مقصد خاصی (خداپرستی) در حال حرکت است. جامعه اسلامی با این تلقی، جمع میان انسان‌هایی است که در حال سلوک جمعی به سمت توحید و خداپرستی‌اند، بی‌آنکه از شئون گوناگون مدیریت دنیای خود و نیز از همه آرمان‌هایی که سهم مهمی در جامعه‌پردازی و نظام‌سازی دارد نظیر عدالت و ...، غافل بمانند. لذا تاثیر چنان انسان‌شناسی در تلقی ایشان از جامعه اسلامی کاملاً مشخص است. بر پایه‌ی این تلقی، جوامع صرفاً مادی که از نیازهای معنوی و دینی غفلت می‌ورزند و حتی جوامعی که تامین منافع مادی اعضای جامعه را دست‌کم می‌گیرند، هر دو با جامعه اسلامی زاویه دارند.

جامعه اسلامی در تلقی آیت الله خامنه ای، به تعبیر صدرالمتالهین هم زمان، متولی «نظام معاش» و «نجات معاد» است.

### کتابنامه

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، «مفهوم سیاست در مکتب رضوی»، فصلنامه فرهنگ رضوی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۷-۲۷.

۲. اشرفی، اکبر؛ عزیززاده سیلاب، قدسی (۱۳۹۵)، «ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۶، صص ۲۳-۵۰.

۳. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۳/۱۰/۱۰)، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید مبعث، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1345>

۴. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷/۱/۱۴)، بیانات در دیدار مسئولان و سفرهای کشورهای اسلامی، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1345&npt=7>

۵. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۲/۷/۲۲)، بیانات در دیدار دانشجویان زنجان، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3199>

۶. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۰/۴/۱۰)، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2469>

۷. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۹/۹/۱۲)، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17086>

۸. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۶۹/۷/۱۶)، در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، عید غدیر، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3199>

۹. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۶/۲/۲۵)، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2114&npt=7>

۱۰. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۳/۱/۳۰)، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، قابل دسترس در وب سایت: <http://farsi.khamenei.ir/newspart>

۱۱. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۴/۱۰/۸)، *بیانات در دیدار مسوولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی*، قابل دسترس: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634&>
۱۲. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۶۹/۷/۱۶)، *بیانات در دیدار مسوولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی*، قابل دسترس: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?>
۱۳. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۰/۷/۱)، «وحدت شیعه و سنی»، *بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی*، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?tid=14195>
۱۴. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۵/۷/۲۰)، «عدالت و پیشرفت»، *بیانات در دیدار مردم شاهرود*، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3366&nt>
۱۵. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، «عدالت اجتماعی»، *بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی*، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=25795&>
۱۶. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۵/۹/۵)، *دیدار اقشار مختلف مردم و مسوولان و کارگزاران دستگاه ها*، قابل دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/content/1357/>
۱۷. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۴/۹/۲۹)، «برپایی عدالت اجتماعی اساس جامعه نظام جمهوری اسلامی»، *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*، قابل دسترس: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=57>
۱۸. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۱۲)، *بیانات در اجتماع مردم اسفراین*، قابل دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/speech/9975>
۱۹. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۳)، *بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی*، قابل دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/speech/9985>
۲۰. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۶)، *سبک زندگی*، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/audio-content?fid=21344>
۲۱. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۵/۱/۶)، «جامعه، اخلاق اسلامی، بعثت پیامبر اسلام»، *بیانات در دیدار بسیجیان*، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029>

۲۲. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۷/۶/۲۹)، «آراستگی به فضائل اخلاقی»، خطبه های نماز عید سعید فطر، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029>
۲۳. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۷/۶/۲)، «جنبش عدالتخواهی»، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1668>
۲۴. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۴/۲/۱۸)، بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3288>
۲۵. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷/۲/۳۰)، «هویت ملی»، بیانات در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1679>
۲۶. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، بیانیه گام دوم انقلاب، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
۲۷. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۴/۳/۱۴)، بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله، قابل دسترس در: 29914 <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
۲۸. باقری دولت آبادی، علی؛ شفیعی، محسن (۱۳۹۳)، از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه انگاری، تهران: تپسا.
۲۹. بانکی پور، امیرحسین قماشچی، احمد (۱۳۸۰)، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران: تربیت اسلامی.
۳۰. بتون، تد؛ کرایب، یان (۱۳۸۴)، فلسفه علوم اجتماعی. ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران: آگه.
۳۱. جاویدی، رقیه؛ بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۵)، «شاخص های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای»، فصلنامه سیاست متعالیه. سال ۱۳، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۲.
۳۲. خسروپناه و همکاران (۱۳۹۶)، منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه ای. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۳. خان محمدی، هادی؛ کشاورزبان، محمد مهدی (۱۳۹۸)، «اخلاق کارگزاران از منظر مقام معظم رهبری»، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قابل دسترس در: <http://www.olgou.org/publication>
۳۴. سمیعی اصفهانی، علیرضا، رفیعی قهساره، ابوذر؛ نوری، نسیم (۱۳۹۴)، «ابعاد، مؤلفه‌ها و تهدیدات هویت اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۱۳، شماره ۴۲، صص ۲۷-۴۴
۳۵. شاو، برنارد جورج؛ صدیقی، عبدالعظیم (۱۳۵۱)، *اسلام، دین آینده جهان*، ترجمه هادی خسروشاهی، قم: انتشارات نسل جوان.
۳۶. شمس، منصور (۱۳۸۷)، *آشنایی با معرفت‌شناسی*، تهران: نشر طرح نو.
۳۷. شفیعی، احمد؛ نیک بین، عبدالعزیز (۱۳۹۴)، «مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال ۱۵، شماره ۶، صص ۷۵-۹۷.
۳۸. صادقی فسائی، سهیلا؛ ناصری زاد، محسن (۱۳۹۰)، «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش»، *مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال ۵، شماره ۲، صص ۷۸-۹۸.
۳۹. عینی زاده، محمد؛ مودب، سید رضا (۱۳۹۶)، «نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال ۲۱، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۷۵.
۴۰. لک زایی، شریف و لک زایی، رضا (۱۳۹۵)، «انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، سال ۱۵، شماره ۴، صص ۶۳-۸۱.
۴۱. لک زایی، نجف؛ جاویدی، رقیه (۱۳۹۷)، «نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه علوم سیاسی*، دوره ۸۱، شماره ۱، صص ۱۴۵-۱۶۶.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، *توحید*، تهران: انتشارات صدرا.
۴۳. معینی پور، مسعود؛ عبدالله نسب، محمدرضا (۱۳۹۵)، «رابطه ی ولایت و جمهوریت در اندیشه ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۰.
۴۴. منوچهری، عباس (۱۳۹۰)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت، چاپ سوم.
۴۵. نوری، عباس (۱۳۹۷)، «ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، دوره ۹۰، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۶۴.



۴۶. نعیمیان، ذبیح‌الله (۱۳۸۹)، بنیادشناسی و زمینه شناسی عقلانیت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۷. های، کالین (۱۳۸۵)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، مترجم: احمد گل محمدی، تهران: نی.